

Prescribing Policy to Spatially Organize the Neighborhoods of the Old Texture of Amol City

Mohammadhossein Boochani

Instructor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: boochani10@yahoo.com

Ali Moslehi

*Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: parapersian@gmail.com

Keyvan Yazdani

MSc., Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. E-mail: keyvan_yazdani@yahoo.com

Abstract

The emergence of the concept of neighborhood has a long history in the urban system of Iran and the world and is rooted in the collective life of people and their social relations, and many studies have been done on the importance and role of traditional neighborhoods. Therefore, according to the proposed issues, the present study aims to prescribe a policy to spatially organize the old texture neighborhoods of Amol city. In order to achieve the desired goal, the spatial organization of the old texture neighborhoods of Amol city was studied and analyzed. Research Method The present article is a descriptive-analytical method and its type is applied. In terms of innovation, it should be noted that the present study in order to spatially organize the old texture neighborhoods as a whole in the city of Amol is examined. From the results of this research, it is possible to strengthen and form sub-centers at the neighborhood level with the priority of placing small social spaces such as parks and activities that meet daily needs and the formation and combination of activities with the priority of daily and weekly activities in neighborhood centers related to pointed out the current needs of society and their physical compactness.

Keywords: Spatial organization, Neighborhoods, Old texture, Amol city

Citation: Boochani, Mohammadhossein; Moslehi, Ali & Yazdani, Keyvan (2022). Prescribing Policy to Spatially Organize the Neighborhoods of the Old Texture of Amol City. *Urban and Regional Policy*, 1(1), 82-95.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجویز سیاست به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل

محمدحسین بوچانی

گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: boochani10@yahoo.com

علی مصلحی

نویسنده مسئول، گروه برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: parapersian@gmail.com

کیوان یزدانی

گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. رایانامه: keyvan_yazdani@yahoo.com

چکیده

پیدایش مفهوم محله دارای تاریخچه‌ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی آن‌ها دارد و مطالعات بسیاری درباره اهمیت و نقش محله‌های سنتی انجام شده است. بدین روی با توجه به مطالب مطروحه، پژوهش حاضر با هدف تجویز سیاست به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل مطرح می‌گردد. که به منظور دستیابی به هدف مورد نظر سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. روش تحقیق مقاله حاضر روش توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی است. از لحاظ نوآوری نیز باید عنوان نمود که پژوهش حاضر به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم به صورت یک کل در شهر آمل مورد بررسی قرار می‌دهد. از نتایج این پژوهش می‌توان به تقویت و شکل‌گیری مراکز فرعی در سطح محلات با اولویت قرارگیری فضاهای اجتماعی کوچک نظیر پارک و فعالیت‌های مرتفع کننده نیازهای روزانه و شکل‌گیری و ترکیب فعالیت‌ها با اولویت فعالیت‌های روزانه و هفتگی در مراکز محلات متناسب با نیازهای روز جامعه و فشرده‌گی کالبدی آن‌ها اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: سامان‌دهی فضایی، محله‌ها، بافت قدیم، آمل

استناد: بوچانی، محمدحسین؛ مصلحی، علی و یزدانی، کیوان (۱۴۰۱). تجویز سیاست به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل. *سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای*، (۱۱)، ۸۲-۹۵.

مقدمه

محل‌های شهری بخش‌هایی از شهر هستند که در صورت رهاشدگی، عدم رسیدگی به آن‌ها و با گذشت زمان از جنبه‌های مختلف دچار آسیب می‌گردند. از آن‌جا که شهر یک کل منسجم است، حالات و شرایط حوزه‌های مختلف آن از هم تأثیر گرفته و بر هم اثر می‌گذارند. مشکلات و آسیب‌های محل‌های شهر، علاوه بر ایجاد اختلال در خود محله، تأثیرات نامناسبی روی محل‌های دیگر دارند و باعث می‌شوند مردم مراجعه کمتری به بافت محله داشته باشند و محله تبدیل به محیطی با انواع معضلات و مشکلات اجتماعی تبدیل گردد. اما در نقطه مقابل آن محلات خوب به طور اتفاقی به‌وجود نمی‌آیند. آن‌ها نتیجه یک برنامه ریزی و یک طراحی با دقت و خوب هستند که منجر به خلق فضاهای پایدار، پیاده مدار، سرزنده، اجتماعی و زیست پذیر و در نهایت منجر به ارتقای کیفیت زندگی تمام ساکنین آن با هر سن و سطح اجتماعی خواهد شد. لذا ضرورت دارد تا با یک برنامه‌ریزی منسجم برای سامان‌دهی محل‌های شهر و ایجاد مرکز محله در آن‌ها و جذب مردم از طریق بهبود کیفیت محیط کالبدی بافت محله به ارتقای اجتماعی و فرهنگی غنی موجود در محله دست یافت (حاجی علی اکبری، ۱۳۹۶).

بافت قدیم آمل با قدمتی دیرینه دارای ۱۳ محله است که از گذشته دور با پیوندی در هم تنیده چه به لحاظ کالبدی و چه به لحاظ عملکردی و فرهنگی اجتماعی با یکدیگر در ارتباط بوده و یک کل منسجمی را در تصویر ذهنی شهروندان به‌وجود آورده اند. در دهه‌های اخیر به‌دلیل به‌وجود آمدن مسائل و مشکلات مختلف اجتماعی و اقتصادی این محلات تا حدودی کارایی خود را از دست داده، به‌طوری که این امر خود را در مهاجرت ساکنین قدیمی این محلات، تخریب خانه‌های تاریخی شهر، از هم گسیختگی فضاها و میادین محلی و اجتماعی محور شهر نشان می‌دهد. با توجه به این مقدمه، این مقاله سعی دارد تا ابتدا با شناسایی اصول کلی سامان‌دهی استخوان‌بندی محلات با نگاه بومی، به ارائه چارچوبی برای سامان‌دهی محلات بافت قدیم آمل پرداخته و سپس بر اساس آن چارچوب، استخوان‌بندی موجود این بافت شناسایی و کلیتی از سامان‌دهی آن پیشنهاد گردد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تجویز سیاست به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل می‌باشد. براساس هدف اصلی پژوهش، می‌توان اهداف فرعی را به این صورت تعریف کرد:

- شناخت بافت قدیم و محل‌های شهر آمل و ویژگی آن‌ها؛
- شناسایی و تحلیل مسائل و پتانسیل‌های سامان‌دهی فضایی بافت قدیم آمل
- تجویز مهم‌ترین سیاست‌های سامان‌دهی استخوان‌بندی بافت قدیم شهر آمل

سوالات پژوهش

براساس هدف اصلی پژوهش، پرسش کلیدی آن را بدین صورت می‌توان طرح کرد که «به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم شهر آمل چه سیاست‌هایی را می‌توان تجویز نمود؟».

- بافت قدیم آمل دارای چه محل‌هایی می‌باشند و ویژگی آن‌ها چیست؟

- بافت قدیم شهر آمل دارای چه مسائل و پتانسیل‌هایی می‌باشد؟
- مهم‌ترین سیاست‌هایی که به منظور سامان‌دهی استخوان‌بندی این بافت می‌توان تجویز نمود چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مقاله حاضر روش توصیفی - تحلیلی و نوع آن کاربردی است. بدین منظور ابتدا با مطالعه مقالات معتبر در این زمینه به ارائه مبانی نظری و سپس خلاصه‌ای از اصول سامان‌دهی محله پرداخته شد. سپس بر مبنای مبانی، به بررسی ویژگی‌های استخوان‌بندی بافت قدیم و محلات آن پرداخته شد و سازمان فضایی وضع موجود آن در قالب پتانسیل‌ها و چالش‌های مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت نیز به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم به صورت یک کل، یازده سیاست توسعه تجویز گردید. استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بررسی سوابق و مطالعات قبلی، مشاهده و بررسی میدانی محلات و بافت تاریخی از روش‌های اصلی مورد استفاده در این مقاله می‌باشد. از لحاظ نوآوری نیز باید عنوان نمود که پژوهش حاضر به منظور سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم به صورت یک کل در شهر آمل مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه نظری پژوهش

مفهوم محله، استخوان‌بندی و اصول پایه سامان‌دهی آن

به‌طور کلی مفهوم و واژه محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی، ادراکی، کالبی و سیاسی تعریف گردد. هر یک از ابعاد مختلف تعریف خاص خود از محله را ارائه می‌دهد. محله‌ها ساخت و بافت اصلی شهرها را تشکیل می‌دهند. (عزیزی، ۱۳۸۵). لینیچ محله را در قالب عناصر پنجگانه راه، گره، نشانه، محله و لبه دیده و از محله تعریف مشخصی را ارائه می‌کند. به اعتقاد وی، محله منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی است، بگونه‌ای که فرد به‌طور ذهنی ورود به آن را حس می‌کند (چپ من، ۱۳۸۴: ۱۹۰). با نگاهی بومی و اسلامی نیز محله در شهر اسلامی، سکونتگاه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌هاست. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری بود، نیمه مستقل با بازارها، مساجد و سازمان اداری مشخص. بر خلاف مراکز اداری و بازرگانی و مذهبی شهر که تا حد زیادی نمودار همبستگی نظام شهری محسوب می‌شد، محلات شهر جلوه‌گاه تضادها و پراکندگی‌ها بود. از طرف دیگر همکاری و تعاون بین افراد یک محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر آنقدر بود که فقدان قوانین و مقررات برای تأمین امنیت اجتماعی فرد را تا حدودی جبران می‌کرد (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۷۵).

برنامه‌ریزی محله بخشی از رویکرد انعطاف‌پذیر جدید به برنامه‌ریزی محلی است. هدف این است که برنامه‌ریزی در سطح مناسب برای کمک به دستیابی به نیازها و پتانسیل‌های محلی انجام شود. جوامع قادر خواهند بود سیاست‌های برنامه‌ریزی کلی برای توسعه و استفاده از زمین در یک محله ایجاد کنند.

طرح محله چشم‌انداز آینده را تعیین می‌کند. بسته به آنچه مردم محلی می‌خواهند، می‌تواند جزئی یا کلی باشد. جوامع می‌توانند از برنامه‌ریزی محله برای تأثیرگذاری بر نوع، طراحی، مکان و ترکیب توسعه جدید، در محدوده

سیاست‌های برنامه‌ریزی سطح منطقه موجود استفاده کنند. پلان‌های محله بخشی از خط مشی برنامه‌ریزی خواهد شد که برنامه‌های کاربردی برنامه‌ریزی در کنار طرح‌های گسترده منطقه ارزیابی می‌شود (Oxford city council, 2012). سازمان و استخوان‌بندی اصلی محله می‌تواند یکی از محورهای کلیدی تعریف محله و به تبع درگاه سامان‌دهی آن باشد. وجود و تداوم محورا اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌ای از مراکز اصلی و فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست. ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای ایجاد وحدت فضایی، وجود نشانه‌ها و عرصه‌های مختلف نیمه خصوصی، نیمه عمومی و خصوصی به عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی نیز از ویژگی‌های محله محسوب می‌شوند (حبیبی، ۱۳۸۲).

در خصوص سامان‌دهی، برنامه ریزی و توسعه محلات رویکردهای مختلف وجود دارد که اهم تفاوت‌ها و مشترکات آنها در اصول برنامه ریزی به شرح جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تفاوت‌ها و مشترکات الگوهای توسعه

رشد هوشمند	دهکده‌های شهری	محله‌های پیاده محور	محله‌های سنتی جدید	محله‌های برنامه‌ریزی شده	
افزودن سیاستگذاری‌های حکومتی - تشویق به ارتقای کیفیت	- تأکید بر خوداتکا بودن (با خانه سازی ترکیبی و اشتغال) - توسعه در بافت موجود	- دسترسی پیاده به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی - اتصال به سامانه منطقه‌ای	- تأکید بر سنتی بودن - معماری کلاسیک - ارتباط ضعیف با سامانه منطقه‌ای	- طراحی مبتنی بر برنامه و ضابطه - طراحی هماهنگ و همه جانبه - مدیریت مشترک	تفاوت‌ها
					مشترکات
					کاربری‌های ترکیبی، ترکیب گونه‌های مسکن، فرم فشرد، محیط زندگی پیاده - محور (چهارصد متر فاصله از مرکز تا لبه)، گزینه‌های حمل و نقل شهری، قلمرو عمومی جذاب، طراحی شهری با کیفیت، مرکزیت کارکردهای شهری و تجاری، لبه تعریف شده، خیابان‌های کم عرض و کارا، طراحی کوتاه مدت متمرکز

منبع: عینی فر، ۱۳۸۶: ۴۸

در خصوص سامان‌دهی فضایی و یا بهینه سازی استخوان‌بندی فضایی که هر دو مفاهیم مشابهی هستند، یک تعریف از آن می‌تواند هدایت گر شناسایی اصول مرتبط با آن باشد. اگر استخوان‌بندی فضای شهر یا محلات را حاکی از ترکیب عناصر مرکزی، محوری و پهنه‌ای بدانیم (Rodrigue et al, 2013)، بنابراین سامان‌دهی فضایی محله عبارت است از نحوه ترکیب، چیدمان و آرایش فضایی فعالیت‌های محله به سه شکل عناصر مرکزی، محوری و پهنه‌ای در غالب نظام سلسله‌مراتب عملکردی شهری (شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محلی) و تعامل فضایی میان این عناصر در سطح محله و پیرامون آن (فلاح زاده و محمودی، ۱۳۹۳). بر حسب تعریف، به طور منطقی آنچه که باید بر اصول سامان‌دهی فضایی محلات حاکم باشد در واقع اصولی است که بر کیفیت شکل‌گیری این عناصر و روابط میان آنها تأکید نماید. با مرور ادبیات نظری مختلف در این عرصه مهمترین اصول سامان‌دهی فضایی محله در قالب جدول شماره ۲ ارائه شده است که مبنای سامان‌دهی فضایی محلات شهر آمل می‌باشد.

جدول ۲. اصول سامان‌دهی فضایی محلات

اصول	ویژگی‌ها
ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی	<ul style="list-style-type: none"> - گذر اصلی ستون فقرات محله است. - عناصر اصلی محله بویژه مسجد در اطراف این محور استقرار می‌یابند. - گذر اصلی محله از پیدایش هسته اولیه و تکوین محله تعریف شده است. - قرارگیری مرکز محله در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی - تقویت و معاصر سازی محور اصلی از طریق ایجاد نقاط مکث جدید در تجربه حرکت تعاملی (ایجاد مجرای حرکت بین دو نقطه مکث جدید و قدیم) - خارج کردن از حالت عبوری از طریق: - دادن مقیاس انسانی - امتزاج حرکت پیاده و سواره با اولویت پیاده - طراحی شبکه عبوری در دور محله - عدم استقرار فعالیت‌های فرامحله‌ای در درون محله
ایجاد شبکه‌ای از مراکز بر حسب سلسله مراتب فضایی کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد مرکز اصلی در سطح محله و شبکه‌ای از مراکز فرعی در واحدهای همسایگی با اولویت شکل‌گیری میدان - شکل‌گیری حس تعلق خاطر جمعی به مرکز اصلی و مراکز فرعی - ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات (گذرهای اصلی و کوی‌ها) میان مراکز فرعی با یکدیگر و با مرکز اصلی (مفصل بندی) - ایجاد فعالیت‌های مختلف در مرکز محلات - خلق نشانه‌ها و نمادهای شهری در سطح محله - در نقاط مکث - در مرکز اصلی و مراکز فرعی - در میادین - در تقاطع محورهای پیاده و سواره - مسجد به عنوان هسته اصلی
ترکیب، چینش و توزیع عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی عملکردهای لازم در سطح محله و ترکیب آنها با استخوان‌بندی محله به منظور معاصر سازی محله - چند عملکردی بودن فضای عمومی اصلی محله از جمله عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مانند مراسم سوگواری و اعیاد. - استقرار انواع فعالیت‌ها در مجاورت استخوان‌بندی محله و دسترسی‌های اصلی موجب جذب جمعیت به عرصه عمومی می‌شود، که این امر خود منجر به بروز تعامل اجتماعی در خیابان می‌گردد. - عناصری که مرکز اصلی را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: - عناصر شاخص محله یعنی مسجد و دبستان - عناصر توزیعی محله یعنی واحدهای خرده فروشی روزانه - هفتگی و ... - عناصری که مراکز فرعی و فراغت را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از پارک محله ای، کتابخانه، کانون پرورش فکری، زمین‌های ورزشی کوچک - عناصری که عملکرد حرکتی را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از شبکه پیاده اصلی (گذر)، شبکه سواره دور محله‌ای و ایستگاه اتوبوس - رعایت سازگاری کاربری‌ها و همجواری مراکز خدماتی با فضاهای شهری - قرارگیری پهنه‌های مسکونی دور از پهنه بازار و راه‌های پر رفت و آمد با کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ
خلق فضاهای عمومی به عنوان بستر روابط اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - تجدید حیات مدنی بواسطه وجود فضاهای عمومی - برقراری تعاملات اجتماعی و نظارت اجتماعی - بستری برای سوگواری‌ها، جشن‌ها و شادی‌های عمومی - بسترساز مشارکت مردم در محله - قرار گیری این فضاها در کنار مسیر اصلی
نهادینه کردن سلسله مراتب فضایی	<ul style="list-style-type: none"> - آهنگ حرکت از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی - سلسله مراتب در عرض و مشخصات معابر - سلسله مراتب در دسترسی به خدمات عمومی - سلسله مراتب در مراکز اصلی و فرعی، توده و فضا، نمادها و عملکردها

پیشینه تجربی

عزیزی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان محل مسکونی پایدار مطالعه موردی نارمک، به بررسی و ارائه عوامل و معیارهای محله پایدار نظیر هویت، سرزندگی، پویایی، تامین تجهیزات و خدمات، تنوع، دسترسی مناسب و ظرفیت قابل تحمل محیط می‌پردازد. روش تحقیق این مقاله از نوع تحلیلی، اکتشافی و بر اساس مطالعه میدانی است.

فنی و صارمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران مورد: محله‌ی بهار منطقه ۷ هدف غائی رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای نیز مردم و تأمین نیازهای اولیه و اساسی آنان با توجه به محیط زندگی آن‌هاست. پژوهش حاضر با تأکید بر این هدف، به دنبال شناخت و آزمون رویکرد نوین محله محوری در نظام مدیریت جدید شهری، در یکی از محلات کلان شهر تهران بوده و از این رو، در چارچوب یک فرضیه، که تغییر بنیادی ساختارهای برنامه‌ریزی توسعه محلات شهری با تأکید بر نظام محله محوری می‌تواند به پایداری اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلات تهران منجر شود، به نتایجی دست یافته است: ناپایداری محلی در شرایط کنونی، میزان شاخص وابستگی و تعلق خاطر محلی را به طور وسیعی در میان سکنه محله بهار پایین می‌آورد. کاهش این شاخص، موجب می‌شود احساس مسؤلیت افراد محلی نسبت به برنامه‌های در حال اجرا و نیز طر‌حهای آتی محله و به عبارت بهتر، اهتمام برای افزایش و تعمیم شاخص کیفیت زندگی در بخش‌های مختلف محله، رو به کاهش گذارد. لذا، سازوکارهای توسعه حاکم بر محله بهار هیچ‌گونه انطباقی با شرایط تحقق توسعه‌ی پایدار در سطح محلی ندارد و برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییرات بنیادی روند فعلی و حرکت به سمت پایداری محلی ضروری است.

قادری، فاضلی و پاک‌سرشت (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه‌ی الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان در پی آن بودند تا از این طریق چالش‌های این تجربه شناسایی و شاخص‌هایی برای ارتقا و پایداری آن بیان شود. روش مطالعه مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کیفی و داده‌های کمی به تحلیل وضعیت مدیریت محله پرداخته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد تفاوت‌های بارزی میان مدیریت محله در انگلستان و تجربه آن در شهر تهران وجود دارد.

عبدالله زاده و سروی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی آن‌ها مطالعه موردی: محله حکم‌آباد تبریز با هدف ارائه راهبرد بازآفرینی ساختار فضایی وضع موجود محله حکم‌آباد جهت ایجاد یک فضای شهری سرزنده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و راهبرد پژوهش، نمونه موردی می‌باشد که در آن ابتدا به منظور شناخت ساختار کلی محله علاوه بر مطالعه پیشینه محله و بررسی اسناد کتابخانه‌ای به مطالعه و بررسی نقشه‌های هوایی و برداشت‌های میدانی پرداخته شد و در ادامه با تجزیه و تحلیل اطلاعات، راهنمای بازآفرینی مراکز محله و معیارهای آن تبیین شد و در گام آخر پژوهش، مدل بازآفرینی محدوده مبتنی بر اهداف انجام گرفت.

از یافته‌های پژوهش می‌توان به بازآفرینی مرکز محله حکم‌آباد از طریق شناسایی دقیق کالبد محله و خلق فضاهای نو در لابه‌لای ساختار سنتی با اتکا به ضرورت‌ها و نیازهای زمانه و جایگاه گذشته محلات می‌تواند سبب حفظ نظام اجتماعی، اقتصادی و سازمان فضایی محله شده و سبب انتظام بخشی ساختار فضایی و کالبدی محله متناسب با شرایط و ویژگی‌های کالبدی و فضایی مختص آن شود، اشاره کرد.

ونگ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان شهرها و سازمان داخلی آن‌ها به بررسی تأثیر شکل شهر بر کارایی اقتصادی، برابری اجتماعی، کیفیت محیطی و حس مکان می‌پردازد، بنابراین بیان می‌دارد درک سازمان فضایی و اصول آن دارای مفاهیم نظری و عملی قابل توجهی است. بر اساس تجربه شهری آمریکای شمالی، این مقاله مروری بر سیر تحول شهرها ارائه می‌کند و قواعد برجسته سازمان‌های داخلی شهرها را ارائه می‌کند. سپس عوامل مهم شکل‌دهنده شکل شهری - مورفولوژی شهری را مورد بحث قرار می‌دهد. تغییرات تکنولوژیکی؛ درآمد، ثروت و ترجیحات؛ تجدید ساختار اقتصادی؛ فرآیندهای توسعه؛ و اقدامات بخش عمومی در نهایت، چهار رویکرد اصلی در درک ساختار شهری، یعنی رویکردهای بوم‌شناختی، حداکثرسازی مطلوبیت، فیزیکی، سیستمی و رویکردهای پست مدرن را خلاصه می‌کند.

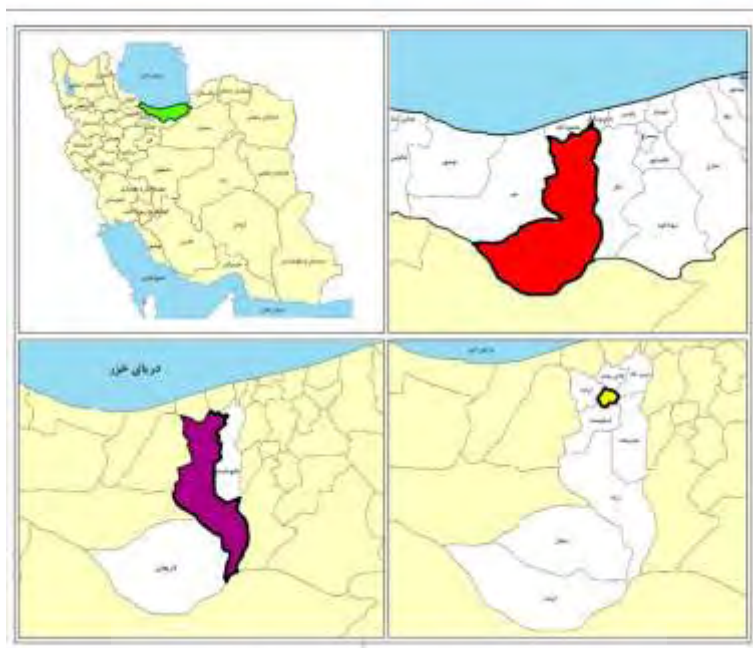
الساندرا باتیستی و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان فرآیند بازآفرینی شهری: مورد باستوگی، نمونه‌ای از رویکرد توسعه شهری یکپارچه ابتدا به بررسی تعریف مفهوم بازآفرینی شهری پرداخته و سعی شده است دگرگونی‌های شهری در اروپا و عوامل مؤثر بر این فرآیند و همچنین اجرای آن تحلیل شود. سپس مورد باستوگی مورد توجه قرار می‌گیرد، نمونه‌ای از شهری که در آن یک سیاست شهری کارآمد و یک رویکرد استراتژیک‌محور مانند آنچه اکنون توسط تعداد فزاینده‌ای از شهرها اتخاذ می‌شود، می‌تواند بافت شهری را احیا کند و زوال آن را به رشد جدید تغییر دهد. این مقاله به تحلیل روند بازآفرینی شهری در بخشی از اروپا می‌پردازد و عوامل مؤثر بر این فرآیند و همچنین اجرای آن را بررسی می‌کند.

ناهوانگ و دیگران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان بازآفرینی فضایی برای حفظ ویژگی‌های شهری تاریخی و بهبود شرایط زندگی در مناطق تاریخی با تراکم بالا: استراتژی‌های طراحی نوسازی شهری برای شهر قدیمی شانگهای با توجه به تراکم بالا و شرایط بد زندگی، این مقاله بر دو نوع بلوک برای تحقیقات طراحی شهری تمرکز دارد و دو استراتژی بازآفرینی فضایی، به‌عنوان «همپوشانی» و «تداوم بافت» را پیشنهاد می‌کند. انتظار می‌رود که از طریق ترجمه گونه‌شناسی سنتی لیلونگ و بازتولید خیابان‌ها و کوچه‌های تاریخی، ویژگی‌های منطقه‌ای فضای شهری را به ارث برده، نسبت طرح‌ها را بهبود بخشد و ترکیبی از عملکردها را تکمیل کند تا راهبردهای فضایی و روش‌های طراحی قابل اجرا برای بازسازی ارگانیک شهر قدیمی و سایر مناطق تاریخی ارائه شود.

یافته‌های پژوهش

بافت قدیم آمل و ویژگی‌های تاریخی آن

شهرستان آمل در مرکز استان مازندران قرار دارد و از جهت جغرافیایی از شمال به شهرستان محمودآباد، از شرق به شهرستان بابل، از شمال شرقی به شهرستان فریدونکنار، از غرب به شهرستان نور و از جنوب به استان تهران محدود می‌شود. این شهرستان با جمعیتی برابر با ۳۴۶۷۷۵ نفر (شهر آمل: ۱۹۹۶۹۸ نفر) و ۳۱۸۵ کیلومتر مربع مساحت دارای چهار شهر آمل، رینه، گزنک و دابوشت و سه بخش مرکزی، لاریجان و دابوشت است. موقعیت استراتژیک شهر آمل واقع در جلگه مازندران و قرارگیری در طرفین رودخانه هراز، توسعه بخش‌های کشاورزی، تجاری، صنعتی و گردشگری منطقه را در سال‌های اخیر تسهیل نموده است.



شکل ۱. موقعیت و جایگاه شهر آمل در نظام تقسیمات سیاسی

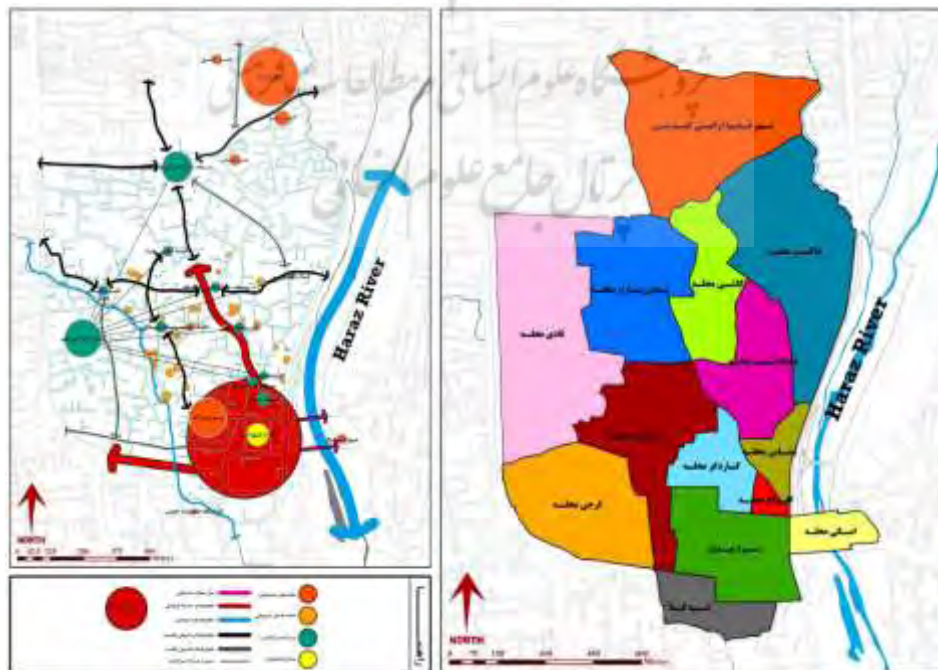
در وضع موجود شهر آمل نظام تقسیمات محله‌ای شهر آمل به شرح نقشه زیر است، که شامل ۲۵ محله می‌باشد.



شکل ۲. نحوه محله بندی شهر آمل

مطالعات طرح جامع و تفصیلی شهر نشان می‌دهد که این شهر از نظر کالبدی به سه بافت درونی (قدیم)، بیرونی و میانی تقسیم می‌شود. بافت قدیم شهر شامل ۱۴ محله قدیمی بوده و استخوان‌بندی شهر به پیوند میان مراکز محلات و مرکز شهر از طریق گذرگاه‌ها و بازار استوار است. محدوده بافت قدیم آمل در حقیقت تاریخی‌ترین هسته مرکزی و

سکونتی شهر آمل شناخته می‌شود به طوری که کهن‌دژ اصلی شارستان در دوران ساسانی را همین محدوده تشکیل می‌داده است و بعد از ورود اسلام به منطقه و احداث مسجد و اردوگاه‌های اعراب در بخش «ربض» شهر ساسانی (محدوده جنوب کهن‌دژ) عملاً نطفه شهری به موقعیت جدید (گل باغ محله یا محدوده اطراف مسجد جامع) منتقل گردید و در نتیجه با قدرت گرفتن علویان از اواسط قرن تا اواخر قرن چهارم هجری شهر آمل به‌عنوان مرکز طبرستان مورد توجه قرار می‌گیرد که مصادف با دوران اوج و شکوفایی این شهر است که رشد و توسعه شهر را در ابعاد اجتماعی و اقتصادی رقم می‌زند. پس‌اند چنين مواردی از رشد در توسعه فیزیکی شهر، در بخش ربض و توسعه کالبدی عناصری چون بازار متجلی می‌شود. در عصر صفوی نیز این بافت رونق فراوان گرفت تا اینکه در دوران قاجار و سپس پهلوی اول و دوم به سبب تفکر تجدیدگرایی، بافت دستخوش دگرگونی‌های کالبدی همچون احداث بناهای حکومتی و اداری همچون کاخ شهرداری گردید تا جایی که امروزه به این شکل درآمده است (مهندسین مشاور پژوهش و عمران، ۱۳۸۳). اما با این حال بافت قدیم آمل از معدود بافت‌های تاریخی است که آن‌چنان مورد مداخله کالبدی همچون خیابان‌های چلیپایی قرار نگرفته و ساختار کلی خود را حفظ نموده است. در نتیجه نحوه محله بندی تاریخی آن بر اساس طایفه‌های آملی همراه با مراکز اصلی و زیرمجموعه‌های فرعی آن‌ها از ویژگی‌های بارز هویت مکان این بافت است که شامل ۱۴ محله با نام‌های قادی محله (تکیه شهدا)، گرجی محله (امام‌زاده تقی)، نیایک محله (حسینییه ارشاد)، کاردگر محله (مسجد امیری‌ها)، مشائی محله (چهارسوق)، شاهاندشت محله (تکیه‌هاشمی)، چاکسر محله (امام‌زاده قاسم)، کاشی محله (مسجد حاج علی کوچک)، پایین بازار محله (تکیه آملی‌ها) و گلباغ محله (مسجد جامع)، سبزه میدان (بقعه میربزرگ)، اسکی محله (موزه تاریخی)، اسپه کلا (قدمگاه حضرت خضر)، گنبد بن (گنبد آل رسول). هریک از محله‌های مسکونی فوق دارای محدوده و مرز معین هستند که در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳. نحوه محله بندی بافت قدیم (سمت راست)، سازمان فضایی وضع موجود (سمت چپ)

سازمان فضایی بافت قدیم آمل؛ عناصر تشکیل دهنده

بافت قدیم فعلی حداکثر دارای قدمت ۳۰۰ ساله بوده و در حال حاضر به‌عنوان یک بافت تاریخی به‌صورت یکی از مناطق شهری آمل یعنی بخش مرکزی شهر محسوب می‌گردد. شکل‌گیری این بافت بر مبنای منطق وجود مراکز اصلی است که جاذب عملکردهای عمومی شهر می‌گردند. آنگاه راه‌های میان مبادی ورودی و مراکز محلات که کارکردهای عمومی را سامان داده‌اند، کشیده می‌شود و در میان آن‌ها مسیری که آمدوشد و جنب‌وجوش بیشتری دارد، بازار را شکل داده است. سلسله مراتبی از راه‌ها، عناصر شهری همچون فضاهای ورودی، بازار، مسجد جامع، میدان اصلی، ارگ حکومتی و کانون‌های دیگر را به هم پیوند می‌دهند. بافت قدیم آمل به علت وجود راسته اصلی بازار و مراکز محلاتی که هریک دارای عناصر، نشانه، فضای شهری و مذهبی هستند، دارای سازمان فضایی منسجم واجد ارزش بالایی است. این محدوده‌ها توسط گذرگاه‌ها و کوی‌ها مشخص و معین هستند. درواقع اطلاع و آگاهی ساکنین از تعلقشان به محله عمده‌ترین عامل در تعیین محدوده به شمار می‌رود و مراکزی را تشکیل داده‌اند که هرکدام بسیار هویت‌بخش و خاص می‌باشند. نمونه‌ای از این مراکز در شکل ۲ نشان داده شده است. در این شکل که مراکز محله چاکسر را نمایش می‌دهد بیانگر آن است که عمده‌ترین عامل شکل دهنده به مراکز محلات عامل مذهب بوده که این مورد خود را در استقرار وجود عناصر همچون مسجد، تکایا و امامزاده نشان می‌دهد. بخش جنوبی این بافت (سبزه میدان) نطفه شکل‌گیری بازار اصلی شهر می‌باشد که در پیوند با مسجد جامع شهر به عنوان مرکز اصلی و تشکیل چارسوق شروع به رشد نموده و امتداد آن تا بخش‌های محلات شمالی شهر امتداد یافته و به گذرهای اصلی سایر محلات متصل شده و خاتمه می‌یابد. در شکل ۴ سازمان فضایی موجود بافت قدیم ارائه شده است.



شکل ۴. نمایش همپای بصری و سازمان فضایی مرکز محله چاکسر

(مهندسین مشاور پژوهش و عمران، ۱۳۸۳)

شناسایی و تحلیل مسائل و پتانسیل‌های سامان‌دهی فضایی بافت قدیم آمل

به منظور شناسایی و تحلیل، ابتدا تدوین چارچوب تحلیل سامان‌دهی فضایی می‌تواند کمک شایانی به نظم ذهنی نماید. در این چارچوب پنج مولفه کیفی سامان‌دهی فضایی مشخص شده است که شناسایی مسائل و پتانسیل‌ها در این قالب صورت می‌گیرد. این پنج مولفه عبارت‌اند از: تنوع، مقیاس، توزیع، ترکیب و تعامل میان عناصر سامان‌دهی فضایی.

- **تنوع عناصر:** شامل نوع و تنوع در عناصر سامان‌دهی فضایی شامل مراکز، محورها و پهنه‌ها می‌شوند که خود این عناصر به دسته‌های ریزتری تقسیم می‌شوند که این تقسیم بندی در این چارچوب ارزیابی بر اساس مقیاس عناصر خواهد بود. بنابراین تنوع در نوع عناصر مرکزی و فعالیت‌های پیرامون آن نیز از مهمترین معیارهای تحلیل محسوب می‌شود.
- **سلسله مراتب عناصر:** سلسله مراتب رابطه تنگاتنگی با مفهوم مقیاس دارد که در خود را در تمامی عناصر نشان می‌دهد. معمول منظور از مقیاس عناصر مقیاس سلسله مراتب عملکردی عناصر یعنی شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محله‌ای را شامل می‌شود که این امر خود را در سطح محلات تا مقیاس واحد همسایگی تنزل می‌دهد. سلسله مراتب در مراکز، محورها، فضاها منجر به آهنگ حرکت از فضاهای عمومی به خصوصی می‌شود. نهادینه شدن اصل سلسله مراتب در نظام طراحی و سامان‌دهی، منجر به شکل‌گیری یک کل منسجم خواهد شد.
- **ترکیب عناصر:** مفهوم ترکیب بر نحوه چینش و قرارگیری عناصر ساختار فضایی در کنار یکدیگر دلالت دارد نظیر ترکیب مجزا، ترکیب مختلط و... . نقشی که مفهوم ترکیب بویژه در مراکز محلات ایفا میکند بسیار مهم است چراکه شدت و کیفیت همجواری فعالیت‌ها در کنار یکدیگر و همچنین با محورها می‌تواند کیفیت شکل‌گیری فضاها را به لحاظ عملکردی کاهش یا افزایش دهد.
- **توزیع عناصر:** مفهوم توزیع به طور کلی بر نحوه پخشایش عناصر بویژه مراکز در سطح شهر و محلات اشاره دارد نظیر توزیع خطی، شعاعی و منظم، توزیع چند هسته‌ای و نامنظم و تک مرکزی و چند مرکزی و غیره.
- **تعامل میان عناصر:** تعامل کلیدی ترین مولفه‌ای است که مفهوم فرم را از مفهوم سازمان فضایی متمایز می‌کند. در حقیقت چگونگی تعامل میان عناصر است که ساختار فضایی و آرایش عناصر را نشان می‌دهد و فضاها را پویا نگه می‌دارد. تعامل در ساختار فضایی یک شهر غالباً با شبکه‌های ارتباطات، دسترسی و مخابراتی تعریف می‌شود. سیستم حمل و نقل و ساختار خیابان‌ها و چگونگی اتصال و ارتباط عناصر کلیدی با یکدیگر از موارد بسیار تأثیرگذار در سامان‌دهی عناصر فضایی بشمار می‌روند.

با ارائه این چارچوب، نوبت به تحلیل سازمان فضایی این بافت می‌رسد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این محدوده با وجود پتانسیل‌ها و فضاهای واجد ارزش از قبیل مراکز اصلی محلات، تکایا و مساجد به دلایل متعدد از جمله دگرگونی‌های اجتماعی اقتصادی، تحولات فرهنگی، تغییر نیازهای مردم، ضعف شبکه دسترسی سواره، فرسودگی کالبدی، عدم تطابق فضاهای فعلی با نیازهای روز، عدم شکل‌گیری فضاهای مختلط و عدم احیای فضاهای تاریخی و مذهبی قدیمی از گردونه حیات شهری و اجتماعی فرهنگی در حال دور شدن بوده و دارای ضعف عملکردی هستند و یا فقط در برخی از ایام سال دارای عملکرد ویژه می‌باشند. عمده فضاها و مراکز سرزنده مربوط به محلاتی هستند که تقرب

بیشتر به بازار دارند و در واقع بازار تبدیل به موتور محرکه توسعه در این بافت شده است. مهمترین پتانسیل‌ها و مسائل مرتبط با سازمان فضایی بافت قدیم آمل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. شناسایی پتانسیل‌ها و مسائل سازمان فضایی بافت قدیم

کیفیت فضایی عناصر	پتانسیل‌ها	مسائل و چالش‌ها
تنوع عناصر	<ul style="list-style-type: none"> - وجود مراکز متنوع جاذب جمعیت اعم از عناصر مذهبی، تاریخی و خدماتی - وجود عناصر محور متنوع ارتباطی و عملکردی - وجود عنصر دروازه برای بازار 	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان عنصر دروازه برای محلات - عدم بهره‌گیری از محور طبیعی رودخانه در پیوند عملکردی با بافت - فقدان عنصر نشانه شهری در محلات - تنوع بسیار پایین فعالیت‌ها در مراکز محلات - فقدان مرکز ثقل جغرافیایی خدماتی و فضای عمومی - رفاهی نظیر پارک در بافت
سلسله مراتب عناصر	<ul style="list-style-type: none"> - وجود سلسله مراتب دسترسی و عملکردی در محلات سنتی شهر 	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان شکل‌گیری سلسله مراتب عناصر فضایی بویژه مراکز در سطح محلات
ترکیب و چیدمان عناصر	<ul style="list-style-type: none"> - امکان فشردگی کالبدی در مراکز و محورهای اصلی بافت و محلات بویژه در بخش غربی بافت و درون بافت 	<ul style="list-style-type: none"> -
توزیع عناصر	-	<ul style="list-style-type: none"> - بی‌نظمی و شلختگی در توزیع عناصر مرکزی
تعامل عناصر	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری تعامل قوی میان عناصر مرکزی همچون مسجد جامع و عناصر محوری همچون بازار در بخش جنوبی بافت - تعامل ارتباطی معنایی قوی میان عناصر مذهبی بافت بویژه در ایام خاصی از سال - قابلیت پیاده‌مداری در سطح محلات 	<ul style="list-style-type: none"> - انقطاع محور بازار با عناصر مرکزی و محوری با بخش شمالی بافت - فقدان سیستم حمل و نقل منطبق با بافت قدیم - فقدان دسترسی پیاده مناسب به مراکز خدماتی

چارچوب سامان‌دهی فضایی محلات بافت قدیم آمل با تأکید بر شکل‌گیری مراکز سرزنده

با توجه به مبانی نظری و همچنین وضعیتی که از سازمان فضایی موجود محلات بافت قدیم آمل مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت مشخص گردید که عمده‌ترین مشکل استخوان‌بندی بافت شکل‌گیری نامتوازن عناصر این بافت در سطح بافت می‌باشد که منجر به فقدان شکل‌گیری مراکز کافی و به تبع ضعف عملکردی در نیمه شمالی بافت شده است. بنابراین به منظور سامان‌دهی استخوان‌بندی این بافت مهم‌ترین سیاست‌هایی که می‌توان تجویز نمود تا به عنوان راهنما عمل نماید عبارت‌اند از:

- تقویت و شکل‌گیری مراکز اصلی محلات در درجه اول بر مبنای هویتی و عناصر مذهبی نظیر مسجد و در درجه دوم در مراکز ثقل جغرافیایی
- تقویت و شکل‌گیری مراکز فرعی در سطح محلات با اولویت قرارگیری فضاهای اجتماعی کوچک نظیر پارک و فعالیت‌های مرتفع‌کننده نیازهای روزانه
- پیوستگی و تداوم کالبدی فضایی راسته‌بازارها تا نیمه شمالی بافت و اتصال آن به مسجد امام حسین (ع) محله پایین بازار

- تقویت مرکز اصلی بافت قدیم در مرز میان محلات شاهاندشت، نیاکی، کاشی و پایین بازار با محوریت مسجد حاج علی کوچک و توسعه کالبدی و عملکردی راسته بازار به سمت شرق و غرب بافت قدیم.
- شکل‌گیری و ترکیب فعالیت‌ها با اولویت فعالیت‌های روزانه و هفتگی در مراکز محلات متناسب با نیازهای روز جامعه و فشردگی کالبدی آن‌ها.
- چند عملکردی نمودن فضای عمومی اصلی محله در مراکز محلات از جمله عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مانند مراسم سوگواری و اعیاد در قالب سرای محله
- باززنده سازی و هویت بخشی به مراکز تاریخی و تفریحی از طریق تزریق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و گردشگری
- توسعه و تقویت محورهای پیاده در جهت شبکه‌ای نمودن دسترسی به عناصر تاریخی همچون بناهای تاریخی به منظور تقویت تعلق خاطر به مکان و توسعه گردشگری
- ایجاد عناصر دروازه‌ای در ورودی محلات شهر
- بهره‌گیری از رودخانه هراز در پیوند با ضلع شرقی بافت با هدف توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری
- توسعه حمل و نقل عمومی سازگار با بافت تاریخی در جهت اتصال مراکز محلات به محورهای عملکردی پیرامون بافت.

نتیجه‌گیری

محله‌ها و واحدهای همسایگی شهری از موجودیتی ایستا برخوردار نبوده و مانند شهر دارای موجودیتی زنده و پویا می‌باشد و به تدریج و در طول زمان نیازها و مشکلات مربوط به محلات و ساکنان آن تغییر می‌کند. در نتیجه، رویارویی با مشکلات محله‌های شهری نیازمند چارچوب محتوایی و روندکاری متوازن، یکپارچه و درهم‌تنیده است. روش تحقیق مقاله حاضر روش توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی است. در پژوهش حاضر پس از بیان کلیات، روش و مبانی نظری پژوهش به شناخت محلات بافت قدیم و ویژگی‌های آن‌ها، مسائل و مشکلات و پتانسیل‌های آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و درنهایت پس از طی مراحل فوق و به منظور سامان‌دهی استخوان‌بندی این بافت مهم‌ترین سیاست‌هایی که می‌توان تجویز نمود تا به عنوان راهنما عمل نماید ارائه گردید.

منابع

- پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، صص. ۲۴-۱۵.
- چپ من، دیوید (۱۳۸۴)، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.

- حاجی علی اکبری، کاوه، (۱۳۹۶)، چارچوب‌های توسعه محله‌ای در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر تهران و سازوکارهای تحقق آن، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، شماره ۱۳، صص. ۳۹-۳۲.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: نشرآبی.
- عبدالله زاده طرف، اکبر و سمیرا سروی (۱۴۰۰)، بازآفرینی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکرد احیای استخوان‌بندی آن‌ها مطالعه موردی: محله حکم آباد تبریز، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، صص ۱۷۰-۱۴۹.
- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، شماره ۲۷، صص. ۴۶-۳۵.
- عینی فر، علیرضا (۱۳۸۶)، نقش قالب الگوی‌های عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، شماره ۳۲، صص. ۵۰-۳۹.
- فلاح زاده، سجاد و فرزین محمودی پاتی (۱۳۹۳)، بهینه‌سازی ساختار فضایی شهر محمودآباد برای دستیابی به یک‌شکل شهری پایدار، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران، موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران.
- فنی، زهره و فرید صارمی (۱۳۹۲)، رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران مورد: محله ی بهار منطقه ۷، جغرافیا و توسعه، ۳۵-۵۶.
- قادری، صلاح‌الدین و محمد فاضلی و سلیمان پاک سرشت، (۱۳۹۵)، راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، توسعه محلی (شهری-روستایی)، صص ۸۸-۵۷.
- لطیفی، غلامرضا و ندا صفری چابک (۱۳۹۲)، بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۸، صص. ۱۵-۳.
- مهندسين مشاور پژوهش و عمران (۱۳۸۳) طرح تفصیلی ویژه بافت قدیم شهر آمل.

References

- Battisti, Alessandra; Barnocchi, Asia; Iorio, Silvia, (2019), Urban Regeneration Process: The Case of a Residential Complex in a Suburb of Rome, Italy, Sustainability.
- NaHuang, YongjieCai, MingyuZhuang, YiZhou, JunZhou, (2021), Spatial Regeneration for Preservation of Historic Urban Features and Improvement of Living Conditions in High-density Historic Districts: Urban Renewal Design Strategies for Shanghai's Old Town, International Journal of High-Rise Buildings, Vol 10, No 1, PP. 9-16.
- Oxford city council, (2012), Neighbourhood Planning.
- Rodrigue, J., (2013), the Geography of Transport Systems (3th ed.), Routledge.
- Wong, S., (2001), Cities, Internal Organization of, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP. 1825-1829